

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مطالعہ العالی

«اجتماع امر و نہی»

شمارہ: ۱۷

قول حق: چون مأمور به با منهی عنه در خارج اتحاد ندارد، وضو یا غسل بنا بر هر دو صورت صحیح می‌باشد.

توضیح بیان مذکور: اگر آب منحصر باشد در ظروف غصبی، طلا و نقره با عدم تمکن مکلف از تفریح آب از اینها به ظرف دیگر بطوری که عنوان استعمال صادق نباشد، این صورت به دو عنوان قابل طرح می‌باشد:

۱. مکلف یک مرتبه به اندازه نیازش در وضوء یا غسل برمی‌دارد.

۲. مُشت مُشت (غرفه غرفه) برمی‌دارد.

اما عنوان اول: لا اشکال در صحت وضوء یا غسل با این آب، بدیهی است که مکلف بعد از گرفتن آب از ظروف مذکوره واجد الماء شد و جدائماً و متمکن از استعمالش هم می‌باشد از نظر عقل و شرع، هیچ‌گونه مانعی در استعمال آب وجود ندارد.

محلّ بحث ما نظیر این می‌ماند که تمکن از آب متوقف است بر تصرف در زمین غصبی و مکلف هم به سوء اختیارش در آن زمین تصرف نمود و به آب رسید، و لا اشکال در این که وی واجد الماء است و وظیفه‌اش وضوء یا غسل می‌باشد نه تیمّم، گرچه پیش از تصرف در زمین غصبی فاقد الماء بود و وظیفه‌اش تیمّم بود.

و اما عنوان و صورت دوم: بطلان وضوء یا غسل مبنی بر این است که قدرت فعلی بر مجموع عمل معتبر باشد مثل صوم و صلاة و وضوء و غسل، ابتدائاً و پیش از شروع و قدرت تدریجی به صورت تدریجی کافی نباشد، در این صورت تصحیح وضوء یا غسل با گرفتن آب غرفه‌غرفه امکان ندارد؛ چون مکلف پیش از شروع در گرفتن وضوء یا اغتسال واجد الماء به اندازه لازم نیست، پس اگر مُشت مُشت بردارد و عصیان کند، غسل یا وضوء وی باطل می‌باشد؛ چون مشروعیت این چنینی ثابت نشده است.

لکن نظریه‌ای که ارائه گردید درست نیست؛ چون بنا بر مبنای امکان شرط متأخر، و اینکه در واجبات مرکبه از اجزای طولی مانند صلاة، غسل و وضوء چاره‌ای جز قبولی شرط متأخر وجود ندارد. و دیگر اینکه ترتب امکان دارد و نیز چاره‌ای بجز تصدیق آن نمی‌باشد، و از ناحیه و جهت دیگر اینکه قدرتی که شرط تکلیف است عبارت می‌باشد از قدرت ظرف عمل و امتثال، و واضح است که عقل به بیشتر از این حکم ندارد که قدرت هنگام انجام اجزای مرکب شرط است یعنی اگر مکلف بخواهد جزئی از مرکب را به صورت تدریجی انجام دهد در ظرف اتیان و عمل به آن جزء، قدرت، شرط می‌باشد و دلیلی بر اعتبار بیشتر از این نداریم.

مرحوم محقق خوئی رحمته الله می‌فرماید: **أما إذا لم نقل باعتبار القدرة الفعلية على مجموع العمل قبل الشروع و** اکتفا نمودیم بر قدرت تدریجی در امر به واجب مرکب ولو به صورت شرط متأخر، به این بیان که قدرت بر اجزای تالیه شرط هستند برای وجوب اجزای سابقه، به طوری که اگر متمکن از قیام و رکوع و سایر اجزای صلاتی به غیر از تکبیرة الاحرام نباشد بخاطر مرضی، لکن علم دارد که کم کم تمکن برایش به وجود می‌آید نماز بر وی واجب می‌شود.^۱

با توجه به آنچه گفته شد که قدرت تدریجی در امر به مرکب کافی است، می‌تواند از باب ترتب از اوانی مغضوبه وضوء بگیرد؛ چون مکلف پس از ارتکاب به حرام و گرفتن آب را غرفه‌غرفه از ظرف غصبی و می‌داند که امکان استفاده برایش محقق می‌شود نسبت به بقیة اعضایش بخاطر اینکه می‌داند باز هم عصیان است و مشتم دوم و سوم را برمی‌دارد، در نتیجه متمکن از وضوء می‌باشد.

بلی آنچه گفته شد داخل در مسأله ترتب می‌باشد؛ چون امر به وضوء مترتب است بر عصیان و مخالفت با نهی از تصرف و غصب؛ بخاطر توقف قدرت بر وضوء بر عصیان.

و چون ترتب مطابق قاعده است و در وقوعش محتاج به دلیل در هر مورد نداریم، ملتزم می‌شویم و چاره‌ای نداریم که از طریق ترتب بگوئیم وظیفه مکلف وضوء گرفتن است و وضویش هم صحیح می‌باشد.

۱. مستند العروة، ج ۴، ص ۲۶۷.

توضیح بیان مرحوم محقق نائینی^{رحمته} در مسأله ترتب: مرحوم محقق نائینی^{رحمته} در مسأله ترتب بیانی دارند بدین شرح که ترتب متوقف است بر اینکه مهم واجد ملاک باشد مطلقاً حتی در حال مزاحمت، یعنی حال وجود امر به اهم، این هم در صورتی احراز می‌شود که قدرت مأخوذه در مهم عقلی باشد، اما اگر شرعی باشد به این بیان که در لسان دلیل به عنوان قید ذکر شده باشد مانند وضوء که قدرت قید است، بنابراین با انتفاء قدرت در ظرف امر به اهم دیگر ملاکی برای امر به مهم باقی نمی‌ماند؛ چون با ارتفاع قید (قدرت) و شرط، مرتفع گردیده، در نتیجه ترتب جاری نمی‌شود.

متن عبارت مرحوم محقق نائینی^{رحمته} در تنبیه اول: قد عرفت في أول البحث أنّ مورد البحث في الامر الترتبي انما هو فيما اذا كان الملاك لكل من الامرین (من المترتب والمترتب عليه) ثابتاً ومتحققاً عند التزام بحیث لو منعنا عن الأمر الترتبي امکن تصحیح العبادة بالملاك بناءً علی كفاية ذلك في صحّة العبادة وعدم القول بمقالة صاحب الجواهر^{رحمته} من توقف الصحّة علی الأمر وعدم كفاية الملاك والسرّ في اعتبار الملاك في الامر الترتبي واضح، فأنه لو لم يكن ملاك امتنع الامر لتوقف الامر علی الملاك علی ما علیه العدلیة.^۲

سپس ایشان نتیجه می‌گیرند در متزاحمین که یکی از آنها مشروط به قدرت شرعی باشد، ترتب ممتنع است؛ زیرا مزاحم مشروط به قدرت شرعی خالی از ملاک می‌باشد. چون که قدرت شرعی در وجود ملاک دخیل است، پس در صورت نبودش ملاک هم منتفی می‌شود و با انتفاء ملاک هم امر ترتبی ممتنع خواهد بود.

لازم به ذکر است که اعتبار قدرت شرعی فرق نمی‌کند که چه از دلیل متصل بدست آید مثل حج و یا به دلیل منفصل بدست آید مثل وضوء؛ چون امر به وضوء در لسان دلیلش تقیید به قدرت نیامده، اما از تقیید امر تیمم به قدرت، تقیید امر وضوءی به قدرت نیز استفاده می‌شود، البته اگر بگوییم مراد از وجدان مأخوذ در آیه تیمم همان تمکن باشد، بدلیل اینکه مقتضای مقابله بین وضوء و تیمم از حیث تقیید تیمم به عدم تمکن از آب استفاده

۱. فوائد الاصول، ج ۱، ص ۳۶۷.

می‌شود که وضوء مشروط است شرعاً به تمکن از آب و آلاً مقابله‌ای بین وضوء و تیمم نخواهد بود، و لازمه‌اش این می‌شود که چیزی که در طول شیئی است، در عرض آن قرار بگیرد. و دیگر اینکه تفصیل قاطع شرکت نباشد، بطلان این امور واضح است.

استفاده قدرت شرعیه در وضوء از دو جهت به دست می‌آید:

۱. تقیید تیمم به عدم تمکن از آب.

۲. بدلیت تیمم برای وضوء.

حال اگر قدرت شرعیه را برای وضوء منتفی فرض نماییم به طوری که مکلف وظیفه‌اش تیمم باشد مثلاً آب را برای حفظ نفس محترمه می‌باید مصرف کند، اگر وضوء بگیرد خالی از ملاک است. پس اگر عصیان کرد و وضوء گرفت، وضویش باطل می‌باشد و راهی برای تصحیحش به وجود ملاک نداریم و نه هم به امر ترتیبی.

پاسخ و اشکال: ترتب متوقف بر احراز ملاک در مهم نیست؛ زیرا راهی برای رسیدن به ملاک بجز امر وجود ندارد، و با سقوط امر به مهم، طریقی برای بدست آوردن ملاک نیست، حال قدرتی که شرط است چه عقلی باشد و چه شرعی فرقی نمی‌کند؛ چون با وجود عجز در هر دو قدرت احتمال زوال وجود دارد.

پس با ترتب می‌توان گفت که وضوء یا غسل در صورت انحصار صحیح می‌باشد.